

هم‌صدا با حلق اسماعیل



۱

نخستین مجموعه شعری سیدحسین حسینی که در سال ۶۳ منتشر شد، شعرهای این مجموعه در قالب‌های غزل، رباعی، مثنوی و سپیدند. این کتاب یکی از دفتر شعرهای منتشرشده در دهه شصت بود که مسئولان صفحات ادبی روزنامه‌ها و نشریات و شاعران شناخته‌شده انقلاب، مطالعه آن را به شاعران جوان و نوجوان توصیه می‌کردند. سیر تکاملی شعر حسینی و آغاز دوران اوچ آن را در این دفتر می‌توان دید...

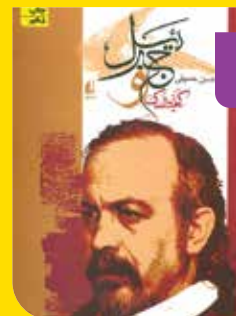
براده‌ها



۲

مجموعه‌ای از گزین‌گفته‌هاست که در آن از هر دری سخن گفته است. از هنر، هنرمند تا نقد هنری که در آن به جایگاه هنر در میان مردم، نخبگان و صاحب‌نظران پرداخته و درباره هنرمندان مقلد آورده است: هنرمندان مقلد هم مراتب و درجاتی دارند. همه طوطی‌ها نمی‌توانند حرف‌زدن انسان را تقلید کنند. وی درباره نقش هنر در زندگی آن را به نردبان شبیه‌تر می‌داند تا آسانسور، زیرا وسیله بالارفتن است، اما بالابرنده نیست...

گنجشک و جبرئیل



۳

این مجموعه شامل ۳۱ قطعه شعر نو است. شعرها از حیث قالب شعری نگاهی نوگرا و پیشرو و از جهت مضمون و اندیشه، جوهره‌ای شیعی و عاشورایی دارند. شاعر در گنجشک و جبرئیل از حدیث متواتر باران می‌گوید، از زیارت نواحی مقدس، از چشم ذوالجناح، از مرسل الریاح، از کرامت سرخ حسین (ع) و روایت پانزدهم؛ از نامی حماسی که بر پیشانی دو جبهه نورانی می‌درخشد؛ زینب...

اهل قنوت

مهر نام بلند سیدحسین حسینی بر پیشانی شعر مذهبی مدرن جاودانه است

آرش شفافی روزنامه‌نگار

انسان جست‌وجوگر

نقل، نقل سی و چند سال قبل است. یکی از روزهای تابستان سال ۷۱ (شاید هم ۷۲ مطمئن نیستم) که برای اولین بار سیدحسین حسینی را در کنگره شعر جوان دیدم. وقتی که بی‌آلایش و صمیمانه در کنار ما نشست و درباره شعر و البته سیاست حرف‌هایی زد که هوش از سر ما برد. در زمانه‌ای که ما باید بالای هر شعر بودار و سیاسی می‌نوشتیم؛ تقدیم به مردم مظلوم بوسنی و هرزگوین تا کارمان به دستگاه استنطاق دولت مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نکشد، او بی‌پروا و شجاعانه به تندی سیاست‌های دولت را نقد می‌کرد.

در نگاه اول چیزی که از سیدحسین حسینی در ذهن من ماندگار شد، توانمندی‌های ادبی و هنری او نبود؛ شمایلش بود. شمایلی که یادگار جوانی و کشتی‌گیری‌اش بود. تصویری که از

جوانمردان و فتیان در ذهن من نقش بسته است، همان اولین برخورد با سیدحسین حسینی در تابستان آن سال است. بعدها هرچه کتاب و مقاله خواندم که در آن درباره نقش و کارکرد سیاسی و اجتماعی جنبش فتیان و عیاران صحبت شده بود، تصویری که در ذهن من زنده شد، تصویر حسینی بود. مردی شجاع، خیرخواه برای دیگران و اجتماع و درعین حال روشنفکر و درحال جست‌وجو.

این آخری، به نظر من اصل و اساس حرف درباره سیدحسین حسینی بود. او ذهنی جست‌وجوگر و خلاق داشت و به‌دنبال راه‌هایی بود که دیگران نرفته باشند. از همین زاویه است که می‌توان ردپای این جست‌وجوگری را در کارهای او پیگیری کرد.

بیا عاشقی را رعایت کنیم

اگر مبنایمان برای بررسی کارهای سیدحسین حسینی اولین کتابش باشد، همین کتاب «هم‌صدا با حلق اسماعیل» باشد که در سال ۱۳۶۳ منتشر شد،



می‌بینیم شاعر در طول سال‌های سرودن و گردآوری اشعار این مجموعه مدام درحال تغییر، تجربه‌های جدید و البته پیشرفت زبانی و تکنیکی بوده است.

شاعری که در طول چند سال از این شعر:

می‌روم مادر که اینک کربلا می‌خواندم

از دیار دور یار آشنا می‌خواندم

مهلت چون و چرایی نیست مادر، الوداع زان که آن جانانه بی‌چون و چرا می‌خواندم...

که تنها به درد نوحه‌خوانی در جبهه و شورآفرینی برای شرکت جوانان در جنگ می‌خورد (منکر ارزش تاریخی شعر نیستم، منظورم ضعف در زبان شعر است) به این شعر سهل‌و‌ممتنع می‌رسد که:

بیا عاشقی را رعایت کنیم

ز یاران عاشق حکایت کنیم

از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند

سفر بر مدار خطر کرده‌اند

از آن‌ها که خورشید فریادشان

دمید از گلی سحرزادشان...

و باز در ادامه تجربه‌هایش در حوزه شعر کلاسیک به این شعر ساده اما سرشار از ظرایف و صنایع می‌رسد که:

هلا روز و شب فانی چشم تو

دلیم شد چراغانی چشم تو

به مهمان شراب عطش می‌دهد

شگفت است مهمانی چشم تو...

پر از مثنوی‌های رندانه است

شب شعر عرفانی چشم تو

تویی قطب روحانی قلب من

منم سالک فانی چشم تو...

شفا می‌دهد آشکارا به دل

اشارات پنهانی چشم تو...

(توجه کنید که مثلاً در همین بیت آخر شاعر اسم دو کتاب شفا و اشارات این‌سینا را به صورت نامحسوس در بیت آورده است که در زمان خود هنرورزی قابل توجهی در شعر کلاسیک محسوب می‌شد) اما خاصیت جست‌وجوگری حسینی در کنار دوستانی که در آن زمان در حوزه هنری پیدا کرده بود، سرانجام نتیجه خود را بر جریان رباعی امروز گذاشت و آنان توانستند در یک دوره زمانی خاص، رباعی را زبرور کنند و حال‌وهوایی تازه به این قالب ببخشند. نقش خود حسینی در این جریان، از همه بیشتر بود و برخی از رباعی‌های او در آن